



تدوین و تهیه نظام نامه راهبری شرکتی (مطالعه موردی شرکت گاز هرمزگان)

دکتر حسین نورانی

استادیار حسابداری، عضو هیئت علمی دانشگاه هرمزگان

دکتر اسماعیل اخلاقی یزدی نژاد^۱

استادیار حسابداری، عضو هیئت علمی دانشگاه هرمزگان

دکتر مجتبی صفی پور افشار

استادیار حسابداری، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

دکتر بهمن بازگیر

دکتری حسابداری، دانشگاه آزاد، پردیس قشم

عقیل زیباپور

کارشناسی ارشد حسابداری دانشگاه آزاد بندرعباس

(تاریخ دریافت: ۴ بهمن ۱۴۰۰؛ تاریخ پذیرش: ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۱)

هدف: در فضای کسب و کار امروز توجه رو به رشدی بر اصول راهبری شرکتی وجود دارد و برای حصول اطمینان بیشتر از این که سازمان به اهداف خود خواهد رسید و انتظارات ذینفعان را برآورده می کند، سیستم های راهبری قوی مورد نیاز است؛ از این رو هدف اصلی پژوهش حاضر تهیه و تنظیم یک نظام نامه مدون برای راهبری شرکتی (حاکمیت شرکتی) در شرکت گاز استان هرمزگان است. روش: جامعه آماری پژوهش شامل اعضای هیات مدیره، مدیران سطوح ارشد و میانی و همچنین خبرگان مالی شرکت گاز هرمزگان است. با توجه به محدود بودن جامعه آماری تعداد ۳۵ پرسشنامه به صورت نمونه گیری غیرتصادفی در دسترس توزیع شد که ۳۰ پرسشنامه تکمیل و جمع آوری گردید. داده های حاصل از پرسشنامه با استفاده از تکنیک آزمون دو جمله ای آزمون و بررسی شده است. نتایج: یافته های پژوهش نشان داد تهیه و تدوین نظام راهبری شرکتی در شرکت گاز هرمزگان ضروری است و سازوکارهای انتخاب شده از نظام راهبری شرکتی موجب بهبود کارایی، اثربخشی، شفافیت و پاسخگویی می شود. هم چنین نتایج نشان دادند در میزان اهمیت اصول راهبری شرکتی، اصول راهبری شرکتی جهت بهبود کارایی بیشترین اولویت را دارد و در اولویت دوم اصول راهبری شرکتی جهت بهبود اثربخشی و در اولویت سوم و چهارم به ترتیب اصول راهبری شرکتی جهت بهبود شفافیت و پاسخگویی و تدوین نظام راهبری شرکتی قرار دارد.

واژه های کلیدی: راهبری شرکتی، شرکت گاز هرمزگان، تکنیک آزمون دو جمله ای.

¹ e.akhlaghi@hormozgan.ac.ir

مقدمه

بیشتر کشورهای در حال توسعه و نوظهور به دنبال استفاده از منابع طبیعی در دسترس در کشور خود هستند تا توسعه یابند [۱۷]. شرکت‌های نفت ملی (NOCs) که مسئول استخراج، توسعه و فروش منابع نفت گاز هستند نمونه بارزی می‌باشند. نقش این شرکت‌ها در بیشتر مناطق جهان بسیار با اهمیت است. بدون توجه به نوع این شرکت‌ها (عمومی شده، شراکت با شرکت‌های خصوصی یا سایر مدل‌های عملیاتی) برای رسیدن به بازده حداکثری، یک عامل در میان آنها مشترک است، این عامل ایجاد و اجرایی کردن یک چارچوب راهبری است که به آنها در غلبه بر محدودیت‌های خاص یاری رساند و به منافع بیشتری ختم شود [۱۷]. بدون یک راهبری مناسب، صنعت نفت و گاز می‌تواند با چالش‌های مختلفی هم در داخل سازمان و هم بیرون از آن، روبرو شود. از دیدگاه برون سازمانی، اگر منابع تامین مالی و سرمایه‌گذاری قانع نشوند که چارچوب راهبری کنترل‌ها و ارزیابی‌های کافی فراهم می‌کند، تامین منابع و جذب سرمایه‌گذاری بسیار مشکل خواهد بود. بعلاوه، عدم اعتماد و اطمینان به صورت‌های مالی منتشر شده می‌تواند باعث کاهش کیفیت صورت‌های مالی شود که کنترل صحیحی بر روی آنها انجام نمی‌شود. از دیدگاه درون سازمانی، عدم وجود راهبری می‌تواند منجر به ناکارایی در سیستم در همه جوانب آن مانند استفاده از سرمایه، عملکرد سازمانی و مسائل عملیاتی شود. همچنین، با توجه به ماهیت شرکت‌های ملی نفت و تاثیر آنها بر جامعه، این موضوع می‌تواند باعث تاثیر منفی بر توسعه پایدار و مسئولیت اجتماعی شود؛ لذا طراحی دقیق و اجرایی سازی موفق یک چارچوب راهبری شرکتی می‌تواند بر همه این مشکلات فائق آید. با توجه به جایگاه مهم شرکت گاز هرمزگان در کشور ضرورت ارزیابی جهت شناخت نقاط قوت و زمینه‌های قابل بهبود شرکت هر چه بیشتر برای مدیران این شرکت آشکار گشته و بر این اساس تصمیم گرفته شده است برنامه‌های بهبود تعریف شوند و با اجرای برنامه‌های بهبود، رویکردها ارتقاء یافته و اهداف سازمانی شرکت گاز محقق شوند؛ لذا هدف اصلی پژوهش حاضر تهیه و تنظیم یک نظام نامه مدون برای راهبری شرکتی (حاکمیت شرکتی) در شرکت گاز استان هرمزگان است.

مبانی نظری

سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) (۲۰۰۴) راهبری شرکتی را این چنین تعریف کرده است. "مجموعه‌ای از روابط بین مدیریت، هیات مدیره، سهامداران و سایر ذینفعان شرکت. [۴] حاکمیت شرکتی را قوانین، مقررات، ساختارها، فرایندها، فرهنگ‌ها و سیستم‌هایی می‌داند که موجب دستیابی به هدف‌های پاسخگویی، شفافیت، عدالت و رعایت حقوق ذی‌نفعان می‌گردد. راهبری شرکتی همچنین ساختاری را فراهم می‌آورد که از طریق آن اهداف شرکت تدوین و ابزارهای دستیابی به این اهداف و همچنین نحوه نظارت بر عملکرد مدیران معلوم می‌گردد. راهبری شرکتی خوب باید برای هیات مدیره و مدیریت انگیزه‌های مناسبی ایجاد کند تا اهدافی را که به نفع شرکت و سهامداران آن است دنبال نمایند و همچنین نظارت موثر و کارآمد را تسهیل کند. وجود یک سیستم راهبری شرکتی کارآمد و موثر درون یک شرکت و در کل یک اقتصاد، کمک می‌کند تا درجه‌ای از اعتماد فراهم آید که برای عملکرد مناسب یک اقتصاد لازم است."

در بیشتر کشورهای اروپایی و در آمریکا بازار سرمایه گسترده است و مالکیت شرکت ها در اختیار گروه کثیر سرمایه گذاران قرار دارد و مالکیت از مدیریت به صورت محتوایی تفکیک شده است، بنابراین سیستم حاکمیت شرکتی در آن کشورها به سیستم های برون سازمانی نزدیک تر است و مکانیسم های متعددی برای حاکمیت شرکتی مطرح و مقرر شده است. برخی از مکانیسم های برون سازمانی شامل نظارت قانونی، نظام حقوقی، کارایی بازار سرمایه، نظارت سهامداران عمده، نقش سرمایه گذاران نهادی، نظارت سهامداران اقلیت، الزامی بودن حسابرسی مستقل و رتبه بندی موسسات رتبه بندی می شود. از مکانیسم های درون سازمانی راهبری شرکتی می توان به انتخاب و استقرار هیات مدیره توانمند و بیطرف، تقسیم مسئولیت بین مدیران اجرایی، ایجاد کمیته های مختلف از طرف هیات مدیره، استقرار کنترل های داخلی مناسب و گسترش آیین رفتار حرفه ای در شرکت می باشد [۴]. لذا انتظار می رود استقرار نظام حاکمیت شرکتی به اجرای اثربخش وظایف هیات مدیره و رعایت الزامات قانونی کمک موثری نماید [۱].

با پیچیده شدن دنیای کسب و کار و همچنین بزرگ شدن شرکت ها، وظایف سازمانی پیچیده تر شده و بیش از پیش نیاز است در هر شرکتی ساختار سازمانی مناسب برای انجام وظایف و همچنین تفکیک مناسب وظایف که خود یکی از کنترل های داخلی در هر سازمانی است، وجود داشته باشد. هیات مدیره در سازمان های بزرگ متشکل از کمیته های بسیاری است که با توجه به نیاز شرکت می تواند متفاوت باشد. یکی از کمیته هایی که می تواند کمک شایانی به هیات مدیره در انجام وظیفه نظارتی خود دهد، کمیته حسابرسی است. این کمیته موجب کاهش تضاد منافع میان سهامداران و مدیران شرکت می شود [۱۶]. کمیته حسابرسی موجب تقویت، سلامت و کیفیت گزارشگری مالی، بهبود کیفیت کنترل های داخلی و کمک به هیات مدیره برای ایفای مسئولیت پاسخگویی و اطمینان از انطباق فعالیت های این واحدها با قوانین و مقررات آمره و همچنین جلوگیری از اعمال غیر قانونی مدیریت می گردد [۸و۶].

[۱۴] بیان می کنند که تفویض اختیار راهبری شرکت به کمیته های هیات مدیره موجب تسهیل کارکردهای هیات مدیره و شرکت می گردد. آن ها بیان می کنند که کمیته های هیات مدیره فراهم کننده ابزارها و ساختار راهبری اثربخش هستند. [۲۰] نیز بیان می کند که مهم ترین تصمیمات هیات مدیره در سطح کمیته های آن گرفته می شوند. در این پژوهش با بررسی شرکت های بزرگ نفت و گاز دنیا به بررسی کمیته های هیات مدیره آن ها پرداخته شده و بر این اساس به فرضیه سازی در این حوزه پرداخته شده است.

چالش های راهبری شرکتی در صنعت نفت و گاز

در رابطه با توسعه صنعت نفت و گاز در کشورهای در حال توسعه، تعداد ابر پروژه هایی که بودجه های گسترده دارند در این بازارها افزایش قابل ملاحظه ای داشته است، با این حال این پروژه ها باعث ایجاد محیط های چالش برانگیزی شده در رابطه با استخراج نفت و گاز شده اند. برخی از مشکلاتی که این بازارها با آن روبرو هستند شامل نبود زیر ساخت مانند جاده، بندر، راه آهن، فرودگاه است و همچنین تسهیلات آنها به پیشرفتگی کشورهای توسعه یافته نیست. علاوه بر این، به دلیل این که این حوزه ها

پیشرفت نکرده اند در زمان توسعه صنعت نفت و گاز، زنجیره عرضه محدود می‌باشد و بنابراین، این پروژه ها به بازار جهانی نیاز و تمایل می‌یابند تا بتوانند منابع و مواد را تهیه و به توسعه بازار کمک کنند [۱۹]. چارچوب راهبری یک سازمان شامل ابعاد مختلفی است که از تعریف اهداف اساسی سازمان شروع شده و شامل جزئیاتی مانند تعریف استانداردهای سیاستگذاری و رویه‌های آن می‌شود. بعلاوه، این چارچوب باید شامل مکانیزم‌های حمایتی باشد که به آن در دستیابی به حاکمیت و کنترل صحیح یاری رساند. این مکانیزم‌ها شامل حوزه‌هایی مانند ساختار سازمانی، خطوط گزارشگری و معرفی نقش‌ها و مسئولیت‌ها، رویکرد مدیریت ریسک و توانایی نظارت و بکارگیری تطابق می‌شود.

[۲۳] اهداف زیر را برای چارچوب راهبری در صنایع نفت و گاز شرکت‌های در حال توسعه معرفی کرده‌اند [۷]:

۱- شایسته‌ترین سرمایه‌گذاران را برای یک دوره زمانی بلندمدت جذب کند. ۲- از طریق مجوزدهی (ثبت) بیشترین منافع اقتصادی را برای دولت ایجاد کند. ۳- اعتماد عمومی کسب کند و آن را حفظ نماید و انتظارات عمومی را مدیریت کند. ۴- محتوی و منافع داخلی را برای کل اقتصاد افزایش دهد. ۵- به تدریج ظرفیت را افزایش دهد و بازیگران را قادر به اجرای نقش‌شان سازد. ۶- مشارکت شرکت ملی نفت را در توسعه منابع افزایش دهد. ۷- پاسخگویی را افزایش دهد.

برای هر کدام از اهداف بالا، تولیدکنندگان در حال توسعه ممکن است بسته به محیط ملی که در آن فعالیت می‌کنند، با مشکلاتی مواجه شوند.

در رابطه با مفهوم سرمایه‌گذاری بلندمدت، کشورهای در حال توسعه با مشکل جذب شرکت‌های ساختارمند به حوزه‌های پیشرو مواجه هستند. دولت‌های چنین کشورهایی باید شرکت‌های احتمالی را تشویق به نمونه برداری و ارائه داده‌های جغرافیایی نمایند؛ زیرا این داده‌ها عدم اطمینان سرمایه‌گذار را کاهش می‌دهد.

یکی از چالش‌های روبروی شرکتها، کسب اعتماد عمومی است. به خصوص پس از شرایط تقابل یا تضاد و در کشورهایی که در آنها فساد یک رویداد معمول است. در این صورت، ارتباط مداوم و به موقع با ذی‌نفعان ضروری است و دولت‌ها و شرکت‌های نفت و گاز باید تا حد ممکن افشای بیشتری انجام دهند تا اعتماد عمومی در سیستم ایجاد شود. معقول کردن انتظارات یک موضوع با اهمیت است. قبل از هر گونه کشف منابع نفت و گاز، دولت‌ها و شرکت‌ها باید چگونگی مدیریت انتظارات عموم در رابطه با منافع مورد انتظار از صنعت را در نظر بگیرند [۱۹].

در رابطه با منافع گسترده‌تر، توسعه ملی باید تشویق شود. به منظور نیل به این هدف، دولت‌ها باید اهداف واضحی تعریف کرده و شعب مسئول رسیدگی به هر کدام از جوانب هدف توسعه ای تعیین شده شناسایی شوند [۵]. در عین حال، دولت‌ها باید برنامه‌های ظرفیت‌زا تصویب کنند و اطمینان حاصل کنند که رویه‌های داخلی قادر به عرضه مهارت‌ها، کالا و خدمات مورد نیاز شرکت‌های نفت و گاز است. علاوه بر این، بازیگران صنعت نفت و گاز باید تلاش‌های ظرفیت‌زای خود را متمرکز بر خدماتی کنند که این صنعت به آنها نیاز مبرم دارد [۲۳].

پس از ایجاد یک چارچوب راهبری، شش عامل موفقیت کلیدی برای اجرای موثر آن وجود دارد. این شش عامل به میزان زیادی بستگی به دخالت و فعالیت‌های ذی نفعانی دارند که ارزش‌های سازمان را درک و از آنها حمایت می‌کنند. این عوامل به میزان زیادی متمرکز بر ایجاد یک شرایط مجاب کننده از طریق درک عمیق انگیزه‌های ذی نفعان هستند. دوم، از طریق تعامل با ذی نفعان، شرکت‌های نفت و گاز از منبع و نوع موانع آگاه خواهند شد و استراتژی‌های بهتری را برای کاهش آنها به کار خواهند بست. در این صورت، یک رهبری قوی و متحد، آینده‌ای یک دست را برای همه ذی نفعان فراهم می‌کند تا از آن عبور کنند و به وظایف‌شان عمل کنند. چهارم، فراهم سازی زمان کافی برای جا افتادن همه تغییرات در سازمان، انتقال از حالت قبلی به حالت جدید را که کنترل و راهبری بیشتری دارد، آسان تر می‌کند. پنجم، اطمینان از وجود ارتباط دو طرفه میان گروه‌های ذی نفعان، راه‌های انتقال پیام در سرتاسر سازمان را افزایش می‌دهد و همچنین، باعث تقویب اهمیت نظرات و نگرانی‌های ذینفعان به تیم مدیریت می‌گردد. در نهایت، دارا بودن یک برنامه سازماندهی شده و مفصل، به همراه نقطه نظرات و اهداف در تغییر به یک راهبری صحیح در همه سطوح سازمان یاری رسان خواهد بود.

مدل های حاکمیت شرکتی

در یک تقسیم بندی می توان مدل های حاکمیت شرکتی را در سه دسته (۱) نظام بازار (۲) نظام روابط و (۳) نظام پیوندی طبقه بندی کرد. مدل بازار ویژه کشورهای آمریکا، انگلیس، استرالیا، کانادا و چند کشور دیگر می‌باشد. در این نظام سهامداران بسیار پراکنده بوده و چارچوب‌های قانونی و نظارتی پیشرفته می‌باشد. در نظام بازار بازارهای سرمایه از نقدشوندگی بالایی برخوردار هستند و بازاری فعال برای کنترل شرکت وجود دارد. در سطح خرد هیات مدیره برای نظارت بر مدیریت هم بر کمیته‌های هیات مدیره و هم برای کنترل های داخلی تاکید می‌کند. پویایی در تخصیص سرمایه از دیگر ویژگی های این نظام به شمار می رود. در مدل بازار سهامداران ذینفعان اصلی شرکت هستند.

نظام روابط ویژه کشورهای ژاپن، آلمان، ایتالیا، هلند و فرانسه می باشد. مالکیت متمرکز، بازارهای سرمایه با نقدشوندگی متوسط، کنترل شرکتی ضعیف تر و فرآیند نظارتی قوی از ویژگی‌های این نظام می باشد. در این مدل با وجود چارچوب عمدتاً از طریق مذاکرات غیررسمی ناشی از روابط بلندمدت تجاری استحاله می‌شود. در سطح خرد ظاهراً مدیریت تحت نظارت هیات مدیره و در عمل تحت نظارت بانک‌های بزرگ یا سهامداران خانوادگی است. در نظام روابط ذینفعان (نه به طور قانونی ولی در عمل) کارکنان شرکت می باشند نه سهامداران.

نظام پیوندی خاص کشورهای در حال توسعه مانند اندونزی، تایلند، مالزی، کره و مکزیک است و ویژگی های آن ها به شرح زیر می‌باشد:

- بازارهای سرمایه چندان نقد شونده نیستند.
- بازار کنترل شرکت یا وجود ندارد یا غیرفعال است.
- چارچوبهای قانونی و نظارتی اغلب در حال شکل گیری هستند.

- در سطح خرد خانواده‌ها بخش عمده ای از مالکیت را در اختیار دارند.
 - در نبود بنیان‌های استوار نظارتی و یا قانونی، معاملات شرکت‌ها اغلب بر پایه اعتقاد و روابط است.
- در این تحقیق سعی شده است بهترین مدل راهبری شرکتی با توجه به محیط اقتصادی کشور و شرایط بومی استان هرمزگان استخراج گردد.

پیشینه پژوهش

[۱۰] به بررسی تاثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پرداختند. یافته های این پژوهش نشان می دهد که رابطه منفی و معنی دار میان مالکیت نهادی و عملکرد شرکت و رابطه مثبت و معنی دار میان مالکیت شرکتی و عملکرد شرکت وجود دارد. مالکیت مدیریتی به صورت معنی دار و منفی بر عملکرد تاثیر می گذارد. در مالکیت خصوصی نیز بهتر است مالکیت عمده در اختیار سرمایه گذاران شرکتی باشد. به گونه کلی، بین ساختار مالکیت شرکت ها و عملکرد آن ها رابطه معنی دار وجود دارد.

[۹] به تعیین رابطه اجزای ساختار حاکمیت شرکتی شامل ترکیب هیات مدیره، ساختار مالکیت و افشای اطلاعات با عملکرد شرکت ها پرداختند. معیار عملکرد شرکت ها رشد درآمد، رشد سود و سود خالص، بازده دارایی ها و بازده حقوق صاحبان سهام بود. یافته ها نشان داد که بین افشای اطلاعات و عملکرد مالی شرکت ها رابطه معنی داری وجود دارد.

[۱۲] به بررسی نظام حاکمیت شرکتی و تاثیر آن بر حسابداری مدیریت پرداختند. در این پژوهش، ابعاد مختلف تئوری نمایندگی در نظام راهبری شرکتی به چالش کشیده شد و سپس بیان گردید که حسابداری مدیریت در قالب نظام راهبری شرکتی تعریف می شود.

[۳] به این نتیجه رسیدند که بین تخصص اعضای هیات مدیره، اثربخشی کمیته حسابرسی و اثربخشی اعضای غیر موظف مستقل هیات مدیره با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه رابطه معکوس وجود دارد. به عبارتی ساختار حاکمیت شرکتی اثر بخش، احتمال گزارشگری مالی متقلبانه را کاهش می دهد و اعتبار گزارشگری مالی را افزایش می دهد. همچنین، بین اهرم مالی و احتمال گزارشگری متقلبانه رابطه معنی دار وجود دارد.

[۱۱] در پژوهشی تحت عنوان "تاثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی: رویکرد یکپارچه" به بررسی ساختار حاکمیت شرکتی و تاثیر آن بر کیفیت گزارشگری مالی در محیط بازار سرمایه ایران پرداختند. تعداد ۱۰۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب گردید. براساس نتایج آزمون های آماری مشخص گردید که بین حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی رابطه معنی داری وجود دارد.

[۲] در مطالعه ای به این نتیجه رسیدند که بین حاکمیت شرکتی و کیفیت گزارشگری مالی ارتباط مثبت و معنی داری وجود دارد. علاوه بر این، بین کیفیت حسابرسی داخلی و کیفیت گزارشگری مالی نیز ارتباط مثبت و معنی داری وجود دارد.

[۲۲] در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که بین مالکیت شرکت و ساختار هیات مدیره ارتباط معنی دار وجود دارد و همچنین بین ویژگی های ساختار هیات مدیره نیز ارتباط معنی دار وجود دارد. نسبت اعضای هیات مدیره غیر موظف با مالکیت مدیریتی، اندازه هیات مدیره و مدیریت دولتی ارتباط منفی و معنی دار دارد. استفاده از ساختار رهبری دوگانه با مالکیت نهادی ارتباط مثبت و معنی دار و با قانونگذاری و دوره تصدی مدیریت اجرایی رابطه منفی دارد.

[۱۸] در بررسی رابطه میان ترکیب هیات مدیره و ارزش شرکت در کشور کانادا به این نتیجه رسیدند که استقلال بیشتر هیات مدیره بر ارزش شرکت تاثیر مثبت ندارد و شرکت های ضعیف نسبت اعضای غیر موظف هیات مدیره خود را در دوره های بعدی افزایش می دهند. این اقدام ممکن است به منظور خوشنود سازی سرمایه گذاران ناراضی باشد. به هر حال، نتایج نشان می دهد نمایندگان سرمایه گذاران نهادی در هیات مدیره می توانند مزایای نظارتی ایجاد کنند. در نهایت، تاثیر منفی وجود سهام دوگانه بر ارزش شرکت با استقلال هیات مدیره، وجود نمایندگانی از سرمایه گذاران نهادی و استقلال کمیته حسابرسی کاهش می یابد. این نتایج نشان می دهد که وجود فعالیت های حاکمیت شرکتی قوی باعث افزایش ارزش شرکت در کشورهایی می شود که تمرکز مالکیت در آن ها بالا است.

[۱۵] یک شاخص راهبری شرکتی مرتبط با ویژگی های هیات مدیره ایجاد کردند و به این نتیجه رسیدند که این شاخص به طور معنی دار و مثبت با شاخص کیو-توبین در ارتباط است. همچنین، این محققین به این نتیجه رسیدند که شاخص آن ها با ارزش شرکت نیز در ارتباط است.

[۲۵] به مطالعه گزارشات سالیانه و زیست محیطی شرکت های نفت و گاز روسیه ای و تغییر رویکرد آن ها نسبت به مدیریت سبز، به عنوان یکی از مکانیسم های حاکمیت شرکتی پرداختند. آن ها به این نتیجه رسیدند که در سطح صنعت، ابتکار عمل خود مدیران محرک اتخاذ تکنولوژی تولید سبز است و این مورد تاثیرگذارتر از مقررات دولتی می باشد. همچنین، نوآوری های سبز (دوست دار محیط زیست) برای پیشگامان صنعت یا از همکاری های بین المللی ناشی می شود و یا از دانش ایجاد شده از طریق واحدهای تحقیق و توسعه درون شرکتی به وجود می آید.

[۱۳] به بررسی مکانیسم های حاکمیت شرکتی (ویژگی های هیات مدیره، کمیته حسابرسی، استقلال هیات مدیره و اندازه هیات مدیره) و کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. یافته های این پژوهش نشان داد که این مکانیسم ها تاثیر مثبت و معنی داری بر کیفیت گزارشگری مالی شرکت های نیجریه ای دارند.

[۲۱] در بررسی تاثیر مکانیسم های حاکمیت شرکتی (سهامداران داخلی، اندازه هیات مدیره، مدیران غیر موظف، دوگانگی نقش رییس هیات مدیره و جلسات کمیته حسابرسی) به این نتیجه رسیدند که نسبت سهامداران داخلی بر عملکرد مالی تاثیر ندارد. اندازه هیات مدیره و اعضای مستقل هیات مدیره نقش پیش بینی کنندگی عملکرد مالی (بازده دارایی ها و شاخص کیو-توبین) را دارند و تعداد جلسات کمیته حسابرسی بر بازده دارایی ها تاثیر معنی داری دارد.

فرضیه ها

بر مبنای سؤالات و مبانی نظری، فرضیه های پژوهش به صورت زیر تدوین شده است.

از آنجا که طبق نظریه راهبری شرکتی تمامی شرکتهای خصوصی و دولتی باید از مزایای راهبری شرکتی موثر و کارا بهره ببرند بنظر می رسد تدوین نظام نامه راهبری شرکتی برای شرکت گاز هرمزگان الزامی باشد لذا فرضیه اصلی اول بدین صورت می باشد:

فرضیه اصلی اول: بررسی و تدوین نظام نامه راهبری شرکتی در شرکت گاز ضرورت دارد.

فرضیات فرعی :

- فرضیه ۱-۱: استفاده از اصول راهبری شرکتی موجب بهبود کارایی در شرکت گاز می گردد.
- فرضیه ۱-۲: استفاده از اصول راهبری شرکتی موجب بهبود اثربخشی در شرکت گاز می گردد.
- فرضیه ۱-۳: تدوین نظام راهبری شرکتی در شرکت گاز ضرورت دارد.
- فرضیه ۱-۴: استفاده از اصول راهبری شرکتی موجب بهبود شفافیت و پاسخگویی در شرکت گاز می گردد.
- فرضیه ۱-۵: اصلاح ساختار سازمانی در شرکت گاز ضرورت دارد.
- فرضیه ۱-۶: میزان پاسخگویی به سهامداران در شرکت گاز باید بهبود یابد.
- فرضیه ۱-۷: میزان پاسخگویی به سایر ذینفعان در شرکت گاز باید بهبود یابد.
- فرضیه ۱-۸: اصلاح ساختار هیات مدیره در شرکت گاز ضرورت دارد.
- فرضیه ۱-۹: تفکیک دقیق مسئولیت اعضا هیات مدیره در شرکت گاز ضرورت دارد.
- فرضیه ۱-۱۰: مشارکت و همکاری پرسنل شرکت گاز جهت اجرای نظام راهبری شرکتی در شرکت گاز ضروری است.

با توجه به اینکه راهبری شرکتی موثر تنها در صورت نظارت دقیق هیات مدیره بر کار مدیران اجرایی امکان پذیر است، وجود کمیته های تخصصی زیر مجموعه هیات مدیره برای شرکت گاز هرمزگان الزامی بنظر می رسد لذا فرضیه اصلی دوم بدین صورت می باشد:

فرضیه اصلی دوم: تشکیل کمیته های تخصصی زیر مجموعه هیات مدیره در شرکت گاز الزامی است.

- فرضیه ۲-۱: تشکیل کمیته مدیریت اجرایی در شرکت گاز ضرورت دارد.
 - فرضیه ۲-۲: تشکیل کمیته حسابرسی و ارزیابی ریسک در شرکت گاز ضرورت دارد.
- مطابق دستورالعمل راهبری شرکتی وظایف مدیرعامل بایستی به خوبی تشریح و تفویض گردیده و وی در مقابل آنها پاسخگو باشد. در راستای پاسخگویی بهتر بنظر می رسد وجود کمیته های تخصصی زیر مجموعه مدیرعامل برای شرکت گاز هرمزگان الزامی باشد لذا فرضیه اصلی سوم بدین صورت می باشد:
- #### **فرضیه اصلی سوم: تشکیل کمیته های تخصصی زیر مجموعه مدیرعامل در شرکت گاز الزامی است.**

فرضیه ۳-۱: تشکیل کمیته کاندیداتوری جهت نظارت بر ساختار و عملکرد هیات مدیره در شرکت گاز ضرورت دارد.

فرضیه ۳-۲: تشکیل کمیته سرمایه گذاری و توسعه در شرکت گاز ضرورت دارد.

فرضیه ۳-۳: تشکیل کمیته منابع انسانی و جبران خدمات در شرکت گاز ضرورت دارد.
 فرضیه ۴-۳: تشکیل کمیته نظارت با مسئولیت برگزاری مجامع عمومی در شرکت گاز ضرورت دارد.
 فرضیه ۵-۳: تشکیل کمیته سیاست‌های عمومی (نظارت بر روندهای اجتماعی، محیط زیست، خیریه و ...) در شرکت گاز ضرورت دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است؛ زیرا در جستجوی دستیابی به یک هدف عملی است و از نوع توصیفی اکتشافی و روش پیمایشی است. شیوه گردآوری اطلاعات، در این پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای و پرسشنامه می‌باشد. قلمرو مکانی پژوهش استان هرمزگان و قلمرو زمانی طی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۹ است.

جامعه آماری پژوهش شامل اعضای هیات مدیره، مدیران سطوح ارشد و میانی و همچنین خبرگان مالی شرکت گاز هرمزگان است که پرسشنامه میان آنها توزیع شده است. با توجه به محدود بودن جامعه آماری (۳۵ نفر) پرسشنامه میان تمامی افراد عضو جامعه توزیع گردید و نمونه گیری انجام نشد. پرسشنامه‌ها بصورت حضوری در اختیار کارکنان شرکت گاز هرمزگان قرار گرفت تا از رسیدن پرسشنامه به دست آنها اطمینان حاصل گردد و در صورت لزوم، با ارائه توضیح در مورد سؤالات، از تکمیل بودن پرسشنامه اطمینان حاصل گردد. پرسشنامه طی چهار هفته جمع‌آوری شد. در همین راستا تعداد پرسشنامه‌ها جهت توزیع ۳۵ عدد در نظر گرفته شد که بین کارکنان شرکت گاز هرمزگان توزیع شد. از مجموع ۳۵ پرسشنامه توزیع شده، ۳۳ پرسشنامه طی دو نوبت دریافت که از این تعداد ۳۰ پرسشنامه قابل قبول تشخیص داده شد. اطلاعات مربوط به توزیع پرسشنامه و پاسخ‌های دریافت شده در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. اطلاعات مربوط به توزیع پرسشنامه و پاسخ‌های دریافت شده

| تعداد | شرح |
|-------|------------------------------------|
| ۳۵ | پرسشنامه‌های توزیع شده |
| ۳۰ | کل پرسشنامه‌های برگشتی و قابل وصول |

پرسشنامه شامل دو دسته سؤالات است: ۱. سؤالات عمومی که شامل مشخصات شخصی افراد؛ ۲. سؤالات اختصاصی که مربوط به سؤال‌های پژوهش می‌باشد. سؤالات پرسشنامه با توجه به عوامل ارائه شده در سؤال‌های تحقیق تنظیم گردیده و نوع پرسشنامه از نوع بسته است. برای انجام این پژوهش ۱۷ اصول راهبری شرکتی انتخاب شده است. به منظور سنجش اصول راهبری شرکتی حاکم بر شرکت گاز هرمزگان ۱۷ سؤال پنج گزینه‌ای تهیه شده است. در این پرسشنامه‌ها برای پاسخگویی از مقیاس پنج گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است که زیربنای آزمون فرضیه‌ها قرار گرفته است و عبارتند از: بسیار کم، کم، متوسط، زیاد، بسیار زیاد و به ترتیب نمره ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ در نظر گرفته شده است. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها داده‌های مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل استخراج شده است. در این پژوهش به منظور آزمون فرضیه‌های مرتبط با مدل مفهومی پژوهش، از روش‌های آمار توصیفی و آمار استنباطی

استفاده شده است. در روش توصیفی از جداول آماری برای توصیف و تحلیل جمعیت شناختی پژوهش استفاده شده است و در روش آمار استنباطی از تکنیک آزمون دو جمله‌ای با استفاده از نرم افزار SPSS استفاده شده است.

یافته‌ها

همانطور که بیان شد در این پژوهش به پشتوانه ادبیات پژوهش و در راستای اهداف و سوالات پژوهش از یک پرسشنامه با دو بخش استفاده شد، بخش اول سؤالات عمومی شامل جنسیت، تحصیلات، رشته تحصیلات، سن و تجربه کاری و بخش دوم سؤالات تخصصی شامل سؤالاتی مرتبط با فرضیه‌های پژوهش استفاده گردید. بدین منظور، در ابتدا همانگونه که در بخش روش پژوهش بیان شد پرسشنامه مذکور به ۲۰ استاد و دانشجوی دکتری حسابداری که همگی تجربه پژوهش و سابقه تحصیلات در دوره دکتری از یک تا ۴ سال دارند ارائه گردید و بر اساس نظرات آنها پرسش نامه اصلاح و تغییرات اولیه صورت گرفت؛ لذا پرسش‌نامه‌ی مورد استفاده در این پژوهش از روایی مورد نیاز برخوردار است.

روشی که در این پژوهش برای سنجش پایایی پرسشنامه‌ها استفاده شده است، روش آلفای کرونباخ است؛ از اینرو تعداد ۲۵ پرسشنامه به عنوان نمونه آماری اولیه توزیع شده و به کمک نرم افزار SPSS میزان ضریب اعتماد پرسشنامه‌های جمع‌آوری شده با روش آلفای کرونباخ محاسبه شده است. نتایج آزمون آلفای کرونباخ در جدول ۱ گزارش شده است و از آنجا که ضریب آلفای کرونباخ از ۰/۷ بیشتر است، نشان دهنده پایایی بالای متغیرها و پرسشنامه‌های توزیع شده است

جدول ۲. نتایج آماره‌های آزمون کرونباخ

| معیار | آلفای کرونباخ |
|-----------|---------------|
| پایایی کل | ۰/۷۶۵ |

در این قسمت به منظور آشنایی با ویژگی‌های عمومی پاسخ‌دهنده‌گان (با توجه به قسمت اول پرسشنامه) و در راستای اعتباربخشی به نتایج حاصل از پژوهش با استفاده از آمار توصیفی به بررسی ویژگی‌هایی از جمله جنسیت، رشته تحصیلی، سطح تحصیلی، سابقه فعالیت پرداخته شده است.

در این بخش به بررسی جنسیت پاسخ‌دهنده‌گان پرداخته شده که نتایج آن در جدول (۳) ارائه گردیده است. نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد از بین پاسخ‌دهنده‌گان مورد بررسی ۱ نفر (۳/۳ درصد) دارای مدرک تحصیلی دیپلم، ۱۰ نفر (۳۳/۳ درصد) مدرک تحصیلی کاردانی، ۱۰ نفر (۳۳/۳ درصد) دارای مدرک تحصیلی کارشناسی، ۸ نفر (۲۶/۶ درصد) مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد و ۱ نفر (۳/۳ درصد) مدرک تحصیلی دکتری هستند.

نتایج جدول (۳) نشان می‌دهد از بین کل پاسخگویان مورد بررسی ۱۲ نفر (۴۰ درصد) زن و ۱۸ نفر (۶۰ درصد) مرد هستند و همچنین از بین پاسخ‌دهنده‌گان مورد بررسی ۶ نفر (۲۰ درصد) دارای سابقه فعالیت کمتر از ۱۰ سال، ۹ نفر (۳۰ درصد) ۱۰ تا ۱۵ سال، ۶ نفر (۲۰ درصد) ۱۶ تا ۲۰ سال، ۶ نفر (۲۰ درصد) ۲۱ تا ۲۵ سال و ۳ نفر (۱۰ درصد) دارای سابقه فعالیت بیش از ۲۵ سال هستند.

جدول ۳. توزیع فراوانی جمعیت شناسی پاسخ دهندگان

| عنوان | تعداد | درصد فراوانی | درصد فراوانی تجمعی |
|--------------|-----------------|--------------|--------------------|
| رشته تحصیلی | دیپلم | ۱ | ۳/۳۴ |
| | کاردانی | ۱۰ | ۳۳/۳۳ |
| | کارشناسی | ۱۰ | ۳۳/۳۳ |
| | کارشناسی ارشد | ۸ | ۲۶/۶۶ |
| | دکتری | ۱ | ۳/۳۴ |
| جنسیت | زن | ۱۲ | ۰/۴۰ |
| | مرد | ۱۸ | ۰/۶۰ |
| سابقه فعالیت | کمتر از ۱۰ سال | ۶ | ۲۰ |
| | ۱۰ تا ۱۵ سال | ۹ | ۳۰ |
| | ۱۶ تا ۲۰ سال | ۶ | ۲۰ |
| | ۲۱ تا ۲۵ سال | ۶ | ۲۰ |
| | بیشتر از ۲۵ سال | ۳ | ۱۰ |
| کل | ۳۰ | ۱۰۰ | |

پس از تحلیل نتایج این بخش می‌توان بیان کرد که سوابق به دست آمده از تحلیل اطلاعات عمومی پاسخ‌دهنده‌گان حاکی از آن است که نتایج تحقیق از درجه اعتبار و کیفیت بالایی برخوردار می‌باشد. در این بخش با استفاده از آزمون دوجمله‌ای، فرضیه‌های پژوهش ارایه شده است، مورد آزمون قرار می‌گیرد

جدول ۴. نتایج آزمون فرضیه اصلی اول و فرضیات فرعی بطور مجزا

| فرضیه | حالات | Prop Observed | Prop Test | Sig |
|--------------|-------------------------------|---------------|-----------|-------|
| فرضیه اصلی ۱ | نامطلوب/ مطلوب | ۰/۷۲ | ۰/۵۰ | ۰/۰۱ |
| فرضیه ۱-۱ | نامطلوب(خیلی کم، کم) | ۰/۱۷ | ۰/۵۰ | ۰/۰۰۰ |
| | مطلوب(متوسط، زیاد، خیلی زیاد) | ۰/۸۳ | ۰/۵۰ | |
| فرضیه ۲-۱ | نامطلوب(خیلی کم، کم) | ۰/۲۲ | ۰/۵۰ | ۰/۰۰۶ |
| | مطلوب(متوسط، زیاد، خیلی زیاد) | ۰/۷۹ | ۰/۵۰ | |
| فرضیه ۳-۱ | نامطلوب(خیلی کم، کم) | ۰/۱۴ | ۰/۵۰ | ۰/۰۰۰ |

| Sig | Prop Test | Prop Observed | حالات | فرضیه |
|-------|-----------|---------------|-------------------------------|------------|
| | ۰/۵۰ | ۰/۸۶ | مطلوب(متوسط، زیاد، خیلی زیاد) | |
| ۰/۰۱۲ | ۰/۵۰ | ۰/۲۴ | نامطلوب(خیلی کم، کم) | فرضیه ۴-۱ |
| | ۰/۵۰ | ۰/۷۶ | مطلوب(متوسط، زیاد، خیلی زیاد) | |
| ۰/۰۰۲ | ۰/۵۰ | ۰/۳۷ | نامطلوب(خیلی کم، کم) | فرضیه ۵-۱ |
| | ۰/۵۰ | ۰/۶۳ | مطلوب(متوسط، زیاد، خیلی زیاد) | |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۵۰ | ۰/۱۴ | نامطلوب(خیلی کم، کم) | فرضیه ۶-۱ |
| | ۰/۵۰ | ۰/۸۶ | مطلوب(متوسط، زیاد، خیلی زیاد) | |
| ۰/۰۲۹ | ۰/۵۰ | ۰/۱۳ | نامطلوب(خیلی کم، کم) | فرضیه ۷-۱ |
| | ۰/۵۰ | ۰/۸۷ | مطلوب(متوسط، زیاد، خیلی زیاد) | |
| ۰/۰۰۲ | ۰/۵۰ | ۰/۲۴ | نامطلوب(خیلی کم، کم) | فرضیه ۸-۱ |
| | ۰/۵۰ | ۰/۷۶ | مطلوب(متوسط، زیاد، خیلی زیاد) | |
| ۰/۰۵۲ | ۰/۵۰ | ۰/۵۹ | نامطلوب(خیلی کم، کم) | فرضیه ۹-۱ |
| | ۰/۵۰ | ۰/۴۱ | مطلوب(متوسط، زیاد، خیلی زیاد) | |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۵۰ | ۰/۱۶ | نامطلوب(خیلی کم، کم) | فرضیه ۱۰-۱ |
| | ۰/۵۰ | ۰/۸۴ | مطلوب(متوسط، زیاد، خیلی زیاد) | |

با توجه به نتایج جدول (۴) احتمال مشاهده شده برای فرضیه اصلی ۱ برابر ۰/۷۲ می‌باشد که بزرگتر از احتمال آزمون (۰/۵۰) است. همچنین مقدار سطح معناداری (Sig) برابر ۰/۰۱ است که کوچکتر از سطح خطای پذیرفته شده $\alpha = ۰/۰۵$ است؛ بنابراین بررسی و تدوین نظام نامه راهبری شرکتی در شرکت گاز ضرورت دارد.

نتیجه مندرج در جدول (۴) نشان می‌دهد احتمال بدست آوردن میزان استفاده از اصول راهبری شرکتی جهت بهبود کارایی ۰/۸۳ و بزرگتر از ۵۰ درصد است، هم چنین سطح معنی داری برابر ۰/۰۰۰ است از آنجائی که این مقدار از ۰/۰۵ کمتر است، این نتیجه نشان می‌دهد که مقدار بدست آمده از اصول راهبری شرکتی جهت بهبود کارایی غیرمعمول و دور از انتظار نیست. در حقیقت کمتر از صفر درصد نمونه‌های این جامعه دارای نتیجه‌ای به بزرگی ۸۳ درصد در این نمونه می‌باشند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت استفاده از اصول راهبری شرکتی موجب بهبود کارایی در شرکت گاز می‌گردد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها فرضیه ۱-۲ نشان می‌دهد که احتمال مشاهده شده ۰/۷۹ می‌باشد که بزرگتر از احتمال آزمون (۰/۵۰) است. همچنین مقدار سطح معناداری (Sig) برابر ۰/۰۰۶ است که کوچکتر از

سطح خطای پذیرفته شده $\alpha = 0/05$ است؛ بنابراین اصول راهبری شرکتی موجب بهبود اثربخشی در شرکت گاز می‌گردد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها فرضیه ۱-۳ نشان می‌دهد که احتمال مشاهده شده $0/86$ می‌باشد که بزرگتر از احتمال آزمون ($0/50$) است. همچنین مقدار سطح معناداری (Sig) برابر $0/000$ است که کوچکتر از سطح خطای پذیرفته شده $\alpha = 0/05$ است؛ بنابراین تدوین نظام راهبری شرکتی در شرکت گاز ضرورت دارد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها فرضیه ۱-۴ نشان می‌دهد که احتمال مشاهده شده $0/76$ می‌باشد که بزرگتر از احتمال آزمون ($0/50$) است. همچنین مقدار سطح معناداری (Sig) برابر $0/012$ است که کوچکتر از سطح خطای پذیرفته شده $\alpha = 0/05$ است؛ لذا اصول راهبری شرکتی موجب بهبود شفافیت و پاسخگویی در شرکت گاز می‌گردد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها فرضیه ۱-۵ نشان می‌دهد که احتمال مشاهده شده $0/63$ می‌باشد که بزرگتر از احتمال آزمون ($0/50$) است. همچنین مقدار سطح معناداری (Sig) برابر $0/002$ است که کوچکتر از سطح خطای پذیرفته شده $\alpha = 0/05$ است؛ لذا فرضیه پنجم پذیرفته می‌شود؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت اصلاح ساختار سازمانی در شرکت گاز ضرورت دارد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها فرضیه ۱-۶ نشان می‌دهد که احتمال مشاهده شده $0/86$ می‌باشد که بزرگتر از احتمال آزمون ($0/50$) است. همچنین مقدار سطح معناداری (Sig) برابر $0/000$ است که کوچکتر از سطح خطای پذیرفته شده $\alpha = 0/05$ است؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت میزان پاسخگویی به سهامداران در شرکت گاز باید بهبود یابد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها فرضیه ۱-۷ نشان می‌دهد که احتمال مشاهده شده $0/87$ می‌باشد که بزرگتر از احتمال آزمون ($0/50$) است. همچنین مقدار سطح معناداری (Sig) برابر $0/000$ است که کوچکتر از سطح خطای پذیرفته شده $\alpha = 0/05$ است؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت میزان پاسخگویی به سایر ذینفعان در شرکت گاز باید بهبود یابد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها فرضیه ۱-۸ نشان می‌دهد که احتمال مشاهده شده $0/76$ می‌باشد که بزرگتر از احتمال آزمون ($0/50$) است. همچنین مقدار سطح معناداری (Sig) برابر $0/002$ است که کوچکتر از سطح خطای پذیرفته شده $\alpha = 0/05$ است؛ لذا اصلاح ساختار هیات مدیره در شرکت گاز ضرورت دارد. تجزیه و تحلیل داده‌ها فرضیه ۱-۹ نشان می‌دهد که احتمال مشاهده شده $0/41$ می‌باشد که کوچکتر از احتمال آزمون ($0/50$) است. همچنین مقدار سطح معناداری (Sig) برابر $0/052$ است که بزرگتر از سطح خطای پذیرفته شده $\alpha = 0/05$ است؛ لذا فرضیه ۱-۹ پذیرفته نمی‌شود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها فرضیه ۱-۱۰ نشان می‌دهد که احتمال مشاهده شده $0/84$ می‌باشد که بزرگتر از احتمال آزمون ($0/50$) است. همچنین مقدار سطح معناداری (Sig) برابر $0/000$ است که بزرگتر از سطح خطای پذیرفته شده $\alpha = 0/05$ است؛ لذا مشارکت و همکاری پرسنل شرکت گاز جهت اجرای نظام راهبری شرکتی در شرکت گاز ضروری است.

جدول ۵. نتایج آزمون فرضیه اصلی دوم و فرضیات فرعی بطور مجزا

| Sig | Prop Test | Prop Observed | حالات | فرضیه |
|-------|-----------|---------------|-------------------------------|--------------|
| ۰/۰۰۸ | ۰/۵۰ | ۰/۷۹ | نامطلوب/ مطلوب | فرضیه اصلی ۲ |
| ۰/۰۰۴ | ۰/۵۰ | ۰/۱۲ | نامطلوب(خیلی کم، کم) | فرضیه ۱-۲ |
| | ۰/۵۰ | ۰/۸۸ | مطلوب(متوسط، زیاد، خیلی زیاد) | |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۵۰ | ۰/۰۹ | نامطلوب(خیلی کم، کم) | فرضیه ۲-۲ |
| | ۰/۵۰ | ۰/۸۱ | مطلوب(متوسط، زیاد، خیلی زیاد) | |

با توجه به نتایج جدول (۵) احتمال مشاهده شده برای فرضیه اصلی ۲ برابر ۰/۷۹ می‌باشد که بزرگتر از احتمال آزمون (۰/۵۰) است. همچنین مقدار سطح معناداری (Sig) برابر ۰/۰۰۸ است که کوچکتر از سطح خطای پذیرفته شده $\alpha = ۰/۰۵$ است؛ بنابراین تشکیل کمیته های تخصصی زیر مجموعه هیات مدیره در شرکت گاز الزامی است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها فرضیه ۱-۲ نشان می‌دهد که احتمال مشاهده شده ۰/۸۸ می‌باشد که بزرگتر از احتمال آزمون (۰/۵۰) است. همچنین مقدار سطح معناداری (Sig) برابر ۰/۰۰۴ است که کوچکتر از سطح خطای پذیرفته شده $\alpha = ۰/۰۵$ است؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت تشکیل کمیته مدیریت اجرایی در شرکت گاز ضرورت دارد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها فرضیه ۲-۲ نشان می‌دهد که احتمال مشاهده شده ۰/۸۱ می‌باشد که بزرگتر از احتمال آزمون (۰/۵۰) است. همچنین مقدار سطح معناداری (Sig) برابر ۰/۰۰۰ است که کوچکتر از سطح خطای پذیرفته شده $\alpha = ۰/۰۵$ است؛ لذا می‌توان نتیجه گرفت تشکیل کمیته حسابرسی و ارزیابی ریسک در شرکت گاز ضرورت دارد.

جدول ۶. نتایج آزمون فرضیه اصلی سوم و فرضیات فرعی بطور مجزا

| Sig | Prop Test | Prop Observed | حالات | فرضیه |
|-------|-----------|---------------|-------------------------------|--------------|
| ۰/۰۱۲ | ۰/۵۰ | ۰/۸۲ | نامطلوب/ مطلوب | فرضیه اصلی ۳ |
| ۰/۰۴۱ | ۰/۵۰ | ۰/۱۸ | نامطلوب(خیلی کم، کم) | فرضیه ۱-۳ |
| | ۰/۵۰ | ۰/۸۲ | مطلوب(متوسط، زیاد، خیلی زیاد) | |
| ۰/۰۰۰ | ۰/۵۰ | ۰/۱۶ | نامطلوب(خیلی کم، کم) | فرضیه ۲-۳ |
| | ۰/۵۰ | ۰/۸۴ | مطلوب(متوسط، زیاد، خیلی زیاد) | |
| ۰/۰۳۸ | ۰/۵۰ | ۰/۳۰ | نامطلوب(خیلی کم، کم) | فرضیه ۳-۳ |
| | ۰/۵۰ | ۰/۷۰ | مطلوب(متوسط، زیاد، خیلی زیاد) | |
| ۰/۱۲۸ | ۰/۵۰ | ۰/۶۷ | نامطلوب(خیلی کم، کم) | فرضیه ۴-۳ |

| Sig | Prop Test | Prop Observed | حالات | فرضیه |
|-------|-----------|---------------|-------------------------------|-----------|
| | ۰/۵۰ | ۰/۳۲ | مطلوب(متوسط، زیاد، خیلی زیاد) | |
| ۰/۰۲۱ | ۰/۵۰ | ۰/۲۶ | نامطلوب(خیلی کم، کم) | فرضیه ۵-۳ |
| | ۰/۵۰ | ۰/۷۴ | مطلوب(متوسط، زیاد، خیلی زیاد) | |

با توجه به نتایج جدول (۶) احتمال مشاهده شده برای فرضیه اصلی ۳ برابر ۰/۸۲ می‌باشد که بزرگتر از احتمال آزمون (۰/۵۰) است. همچنین مقدار سطح معناداری (Sig) برابر ۰/۰۱۲ است که کوچکتر از سطح خطای پذیرفته شده $\alpha = ۰/۰۵$ است؛ بنابراین تشکیل کمیته های تخصصی زیر مجموعه مدیرعامل در شرکت گاز الزامی است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها مربوط به فرضیه ۱-۳ نشان می‌دهد که احتمال مشاهده شده ۰/۸۲ می‌باشد که بزرگتر از احتمال آزمون (۰/۵۰) است. همچنین مقدار سطح معناداری (Sig) برابر ۰/۰۴۱ است که کوچکتر از سطح خطای پذیرفته شده $\alpha = ۰/۰۵$ است؛ لذا تشکیل کمیته کاندیداتوری جهت نظارت بر ساختار عملکرد هیات مدیره در شرکت گاز ضرورت دارد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها فرضیه ۲-۳ نشان می‌دهد که احتمال مشاهده شده ۰/۸۴ می‌باشد که بزرگتر از احتمال آزمون (۰/۵۰) است. همچنین مقدار سطح معناداری (Sig) برابر ۰/۰۰۰ است که کوچکتر از سطح خطای پذیرفته شده $\alpha = ۰/۰۵$ است؛ لذا تشکیل کمیته سرمایه‌گذاری و توسعه در شرکت گاز اهمیت دارد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها فرضیه ۳-۳ نشان می‌دهد که احتمال مشاهده شده ۰/۷۰ می‌باشد که بزرگتر از مقدار احتمال آزمون (۰/۵۰) است. همچنین مقدار سطح معناداری (Sig) برابر ۰/۰۳۸ است که کوچکتر از سطح خطای پذیرفته شده $\alpha = ۰/۰۵$ است؛ لذا تشکیل کمیته منابع انسانی و جبران خدمات در شرکت گاز ضرورت دارد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها فرضیه ۴-۳ نشان می‌دهد که احتمال مشاهده شده ۰/۳۲ می‌باشد که کوچکتر از احتمال آزمون (۰/۵۰) است. همچنین مقدار سطح معناداری (Sig) برابر ۰/۱۲۸ است که بزرگتر از سطح خطای پذیرفته شده $\alpha = ۰/۰۵$ است؛ لذا فرضیه ۴-۳ پذیرفته نمی‌شود.

تجزیه و تحلیل داده‌ها فرضیه ۵-۳ نشان می‌دهد که احتمال مشاهده شده ۰/۷۴ می‌باشد که بزرگتر از احتمال آزمون (۰/۵۰) است. همچنین مقدار سطح معناداری (Sig) برابر ۰/۰۲۱ است که کوچکتر از سطح خطای پذیرفته شده $\alpha = ۰/۰۵$ است؛ لذا تشکیل کمیته سیاست‌های عمومی (نظارت بر روندهای اجتماعی، محیط زیست، خیریه و ...) در شرکت گاز ضرورت دارد.

در جدول (۷) میزان اهمیت هر یک از اصول راهبری شرکتی در شرکت گاز هر مزگان به ترتیب اهمیت اولویت‌بندی شده است. از نظر پرسش شوندهگان در میزان اهمیت اصول راهبری شرکتی، اصول راهبری شرکتی جهت بهبود کارایی بیشترین اولویت را دارد و در اولویت دوم اصول راهبری شرکتی جهت بهبود

اثربخشی و در اولویت سوم و چهارم به ترتیب اصول راهبری شرکتی جهت بهبود شفافیت و پاسخگویی و تدوین نظام راهبری شرکتی قرار دارد.

جدول ۷. نتایج آمار توصیفی اصول راهبری شرکتی در شرکت گاز و ترتیب اولویت آنها

| الویت | انحراف معیار | میانگین | متغیر |
|-------|--------------|---------|---|
| ۱ | ۰/۰۲۶ | ۴/۵۰ | میزان اهمیت اصول راهبری شرکتی جهت بهبود کارایی |
| ۲ | ۰/۰۸۳ | ۴/۴۶ | میزان اهمیت اصول راهبری شرکتی جهت بهبود اثربخشی |
| ۴ | ۰/۰۸۲ | ۴/۲۶ | میزان اهمیت تدوین نظام راهبری شرکتی |
| ۳ | ۰/۰۷۴ | ۴/۳۸ | میزان اهمیت اصول راهبری شرکتی جهت بهبود شفافیت و پاسخگویی |
| ۱۴ | ۰/۰۸۵ | ۳/۱۲ | میزان اهمیت اصلاح ساختار مالکیت |
| ۷ | ۰/۲۶۱ | ۳/۵۷ | بهبود میزان پاسخگویی به سهامداران |
| ۸ | ۰/۰۱۴ | ۳/۴۲ | بهبود میزان پاسخگویی به ذینفعان |
| ۱۵ | ۰/۱۶۹ | ۳/۰۵ | میزان اهمیت اصلاح ساختار هیات مدیره |
| ۱۶ | ۰/۳۷۴ | ۲/۶۱ | میزان اهمیت تفکیک مسئولیت اعضا هیات مدیره |
| ۱۰ | ۰/۰۰۵ | ۳/۳۰ | میزان اهمیت تشکیل کمیته مدیریت اجرایی |
| ۶ | ۰/۰۱۲ | ۳/۸۲ | ایجاد کمیته حسابرسی و ارزیابی ریسک |
| ۱۱ | ۰/۰۰۷ | ۳/۲۶ | میزان اهمیت تشکیل کمیته کاندیداتوری جهت نظارت بر ساختار عملکرد هیات مدیره |
| ۹ | ۰/۴۲۶ | ۳/۳۶ | میزان اهمیت تشکیل کمیته سرمایه‌گذاری و توسعه |
| ۱۲ | ۰/۰۶۵ | ۳/۲۱ | میزان اهمیت تشکیل کمیته منابع انسانی و جبران خدمات |
| ۱۷ | ۰/۰۸۶ | ۲/۳۰ | میزان اهمیت تشکیل کمیته نظارت با مسئولیت برگزاری مجامع عمومی |
| ۱۳ | ۰/۰۴۹ | ۳/۱۶ | میزان اهمیت تشکیل کمیته سیاست‌های عمومی |
| ۵ | ۰/۱۲۶ | ۴/۱۳ | میزان اهمیت مشارکت و همکاری پرسنل |

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

با توجه به نتایج تحقیق فرضیه اصلی اول تایید گردید بنابراین بررسی و تدوین نظام نامه راهبری شرکتی در شرکت گاز ضرورت دارد که این نتیجه با نتایج پژوهش [۱۱] همخوانی دارد. به علاوه نتایج تحقیق نشان داد که فرضیه اصلی دوم نیز تایید می‌گردد بنابراین تشکیل کمیته‌های تخصصی زیر مجموعه هیات مدیره در شرکت گاز الزامی است این نتایج با نتایج پژوهش [۲۳] مطابقت دارد.

در نهایت نتایج اماری نشان دادند که فرضیه اصلی سوم پذیرفته می شود بنابراین تشکیل کمیته های تخصصی زیر مجموعه مدیرعامل در شرکت گاز الزامی است که این نتیجه با نتایج پژوهش [۲۳] مطابقت دارد.

با توجه به نتایج و دستاوردهای پژوهش پیشنهادات کاربردی زیر به عنوان جنبه کاربردی پژوهش ارائه می گردد:

۱- به مدیران شرکت پیشنهاد می شود تا زمینه را به منظور پیاده سازی اصول راهبری شرکتی مهیا نمایند؛ چرا که اصول راهبری شرکتی منجر به بهبود کارایی و اثربخشی و همچنین بهبود شفافیت و پاسخگویی خواهد شد.

۲- به پرسنل و کارکنان شرکت پیشنهاد می شود تا با مشارکت و همکاری یکدیگر زمینه را جهت اجرای نظام راهبری شرکتی در شرکت گاز فراهم سازند.

۳- با توجه به اهمیت حاکمیت شرکتی و لزوم بهبود شفافیت و پاسخگویی در شرکت گاز استان هرمزگان (نتیجه آزمون فرضیه چهارم و ششم) پیشنهاد می شود اصول حاکمیت شرکتی، ساختار آن و وظایف هر کدام از اصول حاکمیت شرکتی در تارنمای شرکت آورده شود تا اهداف شفافیت و پاسخگویی میسر گردند.

۴- هیئت مدیره شامل ۷ نفر عضو اصلی مشتمل بر یک نماینده از مدیریت هماهنگی امور گازرسانی، یک نماینده از بخش های دیگر شرکت ملی گاز (بجز هماهنگی امور گازرسانی)، دو عضو مستقل و غیر موظف از شرکت گاز استان و همچنین سه عضو موظف از شرکت گاز استان باشد.

۵- تشکیل کمیته های تخصصی حسابرسی داخلی و ارزیابی ریسک همچنین کمیته مدیریت اجرایی زیر نظر مستقیم هیئت مدیره تشکیل گردند.

۶- تشکیل کمیته های تخصصی کاندیداتوری و پاداش، سرمایه گذاری و توسعه و همچنین کمیته سیاست های عمومی که زیر نظر مستقیم مدیرعامل می باشند

در نهایت، از آنجایی که این پژوهش شاخص ها و گزاره های استخراج شده را به صورت کلی مورد بحث و بررسی قرار داده است؛ لذا پیشنهاد می شود پژوهش هایی مجزا و تخصصی روی هر یک از ابعاد و حوزه های اصلی راهبری شرکتی، به منظور ارزیابی مدل پیاده سازی شده صورت گیرد. در راستای محدودیت های پژوهش، هر پژوهشی در فرآیند انجام با محدودیت هایی مواجهه است که محدودیت های ذاتی پرسشنامه از مهمترین محدودیت های پژوهش حاضر است. همچنین نبود تحقیقات داخلی مناسب باعث شد تا نتایج با تحقیقات خارجی مقایسه شود که این مقایسه شاید به دلیل تفاوت های قانونی و فرهنگی در جوامع مختلف تا حدی اعتبارسنجی یافته ها را تحت تاثیر قرار دهد.

فهرست منابع

۱. احمدپور، احمد، جعفری صمیمی، احمد، گل محمدی، حمزه. (۱۳۹۱). "تاثیر متغیرهای حاکمیت شرکتی بر ساختار سرمایه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران (مطالعه موردی صنعت

- خودرو و قطعات) " **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، (۱)۱، ۵۲-۶۳ .
doi : 10 . 22034 / iaas . 2012 . 105365
۲. ارواحی، سمانه؛ رجایی زاده هرندی، احسان. (۱۴۰۱). "بررسی تاثیر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی داخلی بر کیفیت گزارشگری مالی". **فصلنامه علمی تخصصی رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری**، ۶۶ (۸۴)، ۳۹-۵۵.
۳. حجازی، رضوان، مختاری نژاد، حمیدرضا. (۱۳۹۶). "رابطه ساختار حاکمیت شرکتی با احتمال گزارشگری مالی متقلبانه". **حسابداری ارزشی و رفتاری**، بهار و تابستان ۱۳۹۶، ۲ (۳)، ۶۰-۳۳.
۴. حساس یگانه، یحیی، (۱۳۸۵)، "حاکمیت شرکتی در ایران"، **فصلنامه حسابرسی**، شماره ۳۲، ص ۳۲-۳۹.
۵. حساس یگانه، یحیی؛ الماسی، محمدرضا. (۱۳۸۶). "حاکمیت شرکتی در شرکت های دولتی"، **مدیریت مالی - حسابداری**، شماره ۱۹۰.
۶. جامعی، رضا؛ رستمیان، آزاده. (۱۳۹۵). "تاثیر تخصص مالی اعضای کمیته حسابرسی بر ویژگی های سود پیش بینی شده". **پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی**، سال ۸، شماره ۲۹، ۱۷-۱.
۷. خیراندیش، مهدی؛ زارع، محمد امین؛ مختاری، مهدیه. (۱۳۹۷). "الگوی زیرساختی بین المللی شدن شرکت ملی نفت ایران: مطالعه ای اکتشافی و تطبیقی جهت ارائه مسیر تحول". **فرایند مدیریت و توسعه**، ۳۱ (۲): ۶۵-۹۰.
۸. صراف، فاطمه، و روح چکار، حسین، و پرتوی، پارسا. (۱۳۹۸). "تأثیر مدیریت ریسک و حاکمیت شرکتی بر نوسان سود شرکت های بورسی". **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، ۲۹ (۲)، ۵۳-۷۰.
۹. قائمی، محمدحسین و شهریاری، مهدی. (۱۳۸۸)، "حاکمیت شرکتی و عملکرد مالی شرکت ها"، **مجله پیشرفت های حسابداری**، دانشگاه شیراز، دوره اول، شماره ۱، پیاپی ۵۷/۳، ص ۱۲۸-۱۱۳.
۱۰. نمازی، محمد و کرمانی، احسان، (۱۳۸۷)، "تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **بررسی های حسابداری و حسابرسی**، ۵۸، ۱۳۳-۱۱۳.
۱۱. نیکبخت، مصطفی؛ احمد خان بیگی، مصطفی. (۱۳۹۷). "تاثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت گزارشگری مالی: رویکرد یکپارچه". **فصلنامه بررسی های حسابداری و حسابرسی**، ۲۵ (۳)، ۴۵۵-۴۳۳.
۱۲. وکیلی فرد، حمید رضا، موسوی، سید احمد، سلیم، فرشاد. (۱۳۹۳). "حسابداری مدیریت و نظام راهبری شرکتی". **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، ۳ (۱۰)، ۴-۲۱ . doi : 10 . 22034 / iaas . 2014 . 103567

13. Akeju, J. B., & Babatunde, A. A. (2017). "Corporate governance and financial reporting quality in Nigeria". **International Journal of Information Research and Review**, 4(2), 3749-3753.
14. Bilimoria, D. & Piderit, S. K. (1994). "Board committee membership: Effects of sex-based bias". **Academy of Management Journal**, 37: 1453-1477.
15. Brown, L. D., & Caylor, M. L. (2006). "Corporate governance and firm valuation". **Journal of accounting and public policy**, 25(4), 409-434.
16. Chau, G., & Leung, P. (2006). "The impact of board composition and family ownership on audit committee formation: Evidence from Hong Kong". **Journal of International Accounting, Auditing and Taxation**, 15(1), 1-15.
17. Deloitte, F., Patel J., & Zeckhauser R. (2014). "Earnings management to exceed thresholds," **Journal of Business**, 72, 1-33.
18. Erickson, J., Park, Y. W., Reising, J. & Shin, H. H. (2005). "Board composition and firm value under concentrated ownership: The Canadian evidence". **Pacific-Basin Finance Journal**, 3, 387-410.
19. Kardel, M. F. (2019). "The Development of Iran's Upstream Oil and Gas Industry: The Potential Role of New Concession Contracts". Routledge.
20. Kesner, I. F. (1988). "Directors' characteristics and committee membership: An investigation of type, occupation, tenure, and gender". **Academy of Management Journal**, 31: 66-84.
21. Kyere, M., & Ausloos, M. (2021). "Corporate governance and firms financial performance in the United Kingdom". **International Journal of Finance & Economics**, 26(2), 1871-1885.
22. Mak, Y. T., & Li, Y. (2001). "Determinants of Corporate Ownership and Board Structure: Evidence from Singapore", **Journal of Corporate Finance**, 7, 235-256.
23. Marcel, V. (2005). "Good Governance of the National Oil Company. London: Chatham House", Royal Institute of International Affairs.
24. OECD, O. (2004). "The OECD principles of corporate governance." *Contaduría y Administración*, (216).
25. Thurner, T., & Proskuryakova, L. N. (2014). "Out of the cold—the rising importance of environmental management in the corporate governance of Russian oil and gas producers". **Business Strategy and the Environment**, 23(5), 318-332.



Preparation and Development of Corporate Governance Regulations (A Case study of Hormozgan Gas Company)

Hossein Nourani (PhD)

Department of Accounting, Faculty of Management Economics and accounting, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran

Esmail Akhlaghi Yazdinejad (PhD) ¹©

Department of Accounting, Faculty of Management Economics and accounting, University of Hormozgan, Bandar Abbas, Iran

Mojtaba safipour Afshar (PhD)

Department of Accounting, Faculty of Management Economics and accounting, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran

Bahman Bazgir (PhD)

PhD in Accounting, Islamic Azad University, Qeshm Campus, Qeshm, Iran

Aghil Zibapour

M.Sc. in Accounting, Bandarabbas Branch of Islamic Azad University, Bandarabbas, Iran

(Received: 24 January 2022; Accepted: 16 May 2022)

Aim: In today's business environment, there is an increasing attention on corporate governance principles, and strong governance systems are required to ensure that the organization achieves its objectives and meets the expectations of stakeholders; Therefore, the main purpose of the present study is to prepare and compile a written code for corporate governance in Hormozgan Gas Company. **Methodology:** The statistical population of the study consists of members of the board of directors, senior and middle level managers and financial experts of Hormozgan Gas Company. 35 questionnaires were distributed by non-random sampling among participants and 30 questionnaires were filled in and collected due to the restricted statistical population. The data obtained from the questionnaire were tested using Binomial test procedure. **Results:** Findings revealed that the preparation and development of corporate governance system in Hormozgan Gas Company is essential and the mechanisms selected from the corporate governance system enhance efficiency, effectiveness, transparency and accountability. Moreover, the results showed that in terms of the importance level of corporate governance principles, corporate governance principles are of the highest priority to improve efficiency. In the second priority, corporate governance principles improve effectiveness and enhance transparency and accountability in the third and fourth priority respectively.

Keywords: Corporate Governance, Hormozgan Gas Company, Binomial Test Procedure.

¹ e.akhlaghi@hormozgan.ac.ir ©(Corresponding Author)